

www.csr.ir

راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام

سیدرضا صالحی امیری*

شهرود امیرانتخابی**

چکیده

گرچه در باب معنای سرمایه اجتماعی، وفاق لازم میان جامعه‌شناسان و متفکران سایر علوم پدید نیامده، اما سیالیت معنایی آن باعث شده است که بتوان از زوایای نوینی- که خطوط پژوهشی گوناگون آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد- به آن نگریست و از بسط نظری آن برای فهم بهتر مسائل اجتماعی و راهکارهای ارتقا آن در کشور بهره برد. توجه ویژه سیاستگذاران، سیاستمداران و پژوهشگران، نشان‌دهنده اهمیت آن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... است. اهمیت سرمایه اجتماعی در کشور ما وقتی دو چندان می‌شود که در تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام توجه ویژه‌ای به آن شده است؛ به طوری که یکی از مؤلفه‌های مهم در سند چشم‌انداز، مؤلفه سرمایه اجتماعی است. در سند چشم‌انداز، در بند دوم ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق بیست‌ساله، ایران کشوری معرفی شده که متکی بر (سهم برتر منابع انسانی و) سرمایه اجتماعی در تولید ملی است. با این ملاحظات و توجه ویژه سند چشم‌انداز به مقوله سرمایه اجتماعی، شایسته است به الزامات و روش‌های تقویت و ارتقا سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران بپردازیم و در صدد پاسخ به این سؤال باشیم که راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام در کشور چیست؟

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی، سند چشم‌انداز، برنامه توسعه و وضعیت مطلوب.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

** دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

Email: sh_amir1975@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۸

تاریخ ارسال: ۹۱/۰۵/۲۴

فصلنامه راهبرد / سال بیست و دوم / شماره ۶۶ / بهار ۱۳۹۲ / صص ۸۴-۶۱

مقدمه

در دو دهه اخیر، سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از کانونی‌ترین مفاهیم ظهور و بروز یافته است. با وجود این، نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و انتظارات گوناگونی را نیز دامن زده است. افزایش حجم قابل توجه پژوهش‌ها در این حوزه، بیانگر اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در سپهرهای متفاوت اجتماعی است.

از یک منظر می‌توان ادعا کرد که سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌باشد و شناسایی آن به عنوان یک سرمایه چه در سطح مدیریت کلان و چه در سطح مدیریت سازمان‌ها و غیره می‌تواند شناخت جدیدی را از سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و مدیران را در مدیریت بهتر سازمان‌ها یاری کند (فوکویاما، ۱۹۹۵). از این منظر، سرمایه اجتماعی دامنه کاربردی و پژوهشی بالقوه گسترده‌ای دارد و از ملاحظات نظری، تاریخی و فلسفی در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، اقتصاد و تاریخ، مسائل روش‌شناختی مرتبط با کارهای میدانی گرفته تا ایجاد شاخص‌های مناسب برای شرایط مختلف، مشکلات حوزه‌های گوناگون

رشد و توسعه سازمان‌ها، آموزش، سیاستگذاری، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی، تصمیم‌گیری‌های جمعی، تأمین اجتماعی و همچنین طیف وسیعی از شرایط تجربی را بررسی کند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴، ص ۵۳۱). به طوری که در یک دهه اخیر، سرمایه اجتماعی به یکی از مباحث اساسی مورد توجه محافل دانشگاهی و پژوهشی جهان تبدیل شده است. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌های غیر رسمی، قواعد عرفی و تعهدات اخلاقی است که رفتارهای متقابل افراد در چارچوب آنها شکل می‌گیرد و موجب تسهیل روابط اجتماعی افراد می‌شود و معمولاً به افزایش همکاری و مشارکت اجتماعی افراد می‌انجامد و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند در تعامل با هم به یک رشد پویا برسند (بهرامی، ۱۳۸۱، ص ۲۳).

از سوی دیگر، در عصر حاضر برای توسعه، بیشتر از آنچه به سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم، به «سرمایه اجتماعی» نیازمندیم؛ زیرا بدون این سرمایه استفاده از سایر سرمایه‌ها ممکن نمی‌باشد. در گذشته، تأکید اصلی بر سرمایه‌های مادی و فیزیکی بود، اما امروز در

کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی مورد بهره برداری قرار گرفته است. بنابراین این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف می شود. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی در پرتو ارتباطات متقابل باعث نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر شده و همکاری را تسهیل می نماید.

اهمیت این سرمایه، به میزانی است که از آن به عنوان ثروت نامرئی یک کشور یاد می کنند و از رهگذر این سرمایه حیاتی است که انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در جامعه فراهم می شود و هر گونه کاهش در آن، منجر به کاهش مشارکت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می شود و همچنین رشد آسیب‌ها و جرایم اجتماعی، بی اعتمادی، یأس

و ناامیدی و احساس محرومیت نسبی و بسیاری از ناهنجاری‌ها نتیجه تقلیل سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به شاخص‌هایی از قبیل میزان اطلاعات و آگاهی‌های عمومی، اندیشه و تفکر عقلانی، خیرخواهی، احساس و سطح عمومی اعتماد در جامعه، احساس تعهد اجتماعی، احساس

تعلق اجتماعی، صداقت، همدردی، وفاداری، هویت سازمانی، قدرت نفوذ و اقتدار فردی، میزان کنش‌ها و روابط متقابل بین اعضای یک گروه، هنجارهای اجتماعی یکسان، اعتبار، همکاری و همیاری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، میزان و احساس امنیت در یک گروه یا جامعه، همبستگی، میزان و گستردگی تعاملات دوستانه، تعاملات خانوادگی و اجتماعی، میزان نابسامانی‌های اخلاقی فردی و اجتماعی، میزان فساد در سطح حاکمیت و جامعه، میزان دینداری، وجود ایدئولوژی مبتنی بر مصلحت عمومی، احساس و میزان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی، سطح ارزش‌های مشترک، نوع دوستی، قانون‌مداری، مردم‌گرایی، تحمل‌پذیری نسبت به تکرر، احترام متقابل، نظم‌پذیری و ثبات و عدم هم‌گسیختگی اجتماعی دلالت دارد (رحمانی، ۱۳۷۲، ص ۸۰).

با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفته، حال در اینجا لازم است تا مؤلفه‌ها و اجزاء مربوط به هر یک از ابعاد نیز شناسایی شود تا بتوانیم راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور را با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام را

بررسی کنیم. از سوی دیگر، برای برنامه‌ریزی جهت تحقق اهداف چشم‌انداز، ضرورت پرداختن به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آشکار می‌گردد. چهار بعد مطرح در سرمایه اجتماعی، بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد که دارای مؤلفه‌های خاص خود است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

- در بعد اجتماعی: اعتماد، روابط متقابل، مشارکت، آگاهی عمومی، اخلاقیات و مسئولیت اجتماعی.

- در بعد فرهنگی: مقررات رفتاری، نرم‌ها و هنجارها، ارزش‌ها، دین و ایدئولوژی، نمادها، مثل‌ها و استعاره‌ها، جو و فضا.

- در بعد سیاسی، امنیت: نهادهای عمومی و مدنی، مشارکت سیاسی، انتخابات، قانون‌مداری، روزنامه‌ها و رسانه‌ها.

- در بعد اقتصادی: برای مثال، ارزش روز شرکت، میزان صرفه‌جویی در هزینه‌ها.

۱- مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی نخستین بار در سال ۱۹۱۶ توسط هانی فان مطرح شد. او بر جنبه کار خیر، دلسوزی متقابل و رابطه اجتماعی تأکید داشت. لیدا جانسون هانی فان نزدیک به یک قرن پیش به این امر پی برد که بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند،

از طریق شبکه‌های به هم پیوسته و بادوام قابل حل‌اند. به نظر وی «همکاری متقابل و درک مزیت ارتباط با دیگران مستوجب آن خواهد شد که تمام افراد جامعه در سود حاصله شریک شوند. وقتی که اعضای جامعه با یکدیگر آشنا شوند و برای سرگرمی، مراوده، نشاط در تعامل با یکدیگر به سر برند، با هدایت این سرمایه اجتماعی به آسانی می‌توان به پیشرفت عمومی در جهت خواسته‌های اجتماع دست یافت» (Putnam, 2002, pp.4-5). اگر چه بحث سرمایه اجتماعی در سال‌های ۱۹۲۰ توسط هانی فان و دهه ۱۹۶۰ توسط جین جاکوبز و دهه ۱۹۷۰ توسط گلن لوری و ایوان لایت مطرح شده بود، اما از دهه ۱۹۸۰ به طور جدی توسط رابرت پاتنام، پیر بوردیو، جیمز ساموئل کلمن، فوکویاما و اندیشمندان دیگر، وارد مباحث جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی شد (عطار، ۱۳۸۸).

یکی از تعاریف کلاسیک، سرمایه اجتماعی یک جامعه را بیانگر ساختار درونی آن یعنی پیوند بین افراد از یک طرف و جامعه از طرف دیگر می‌داند (Adler & Kwon, 2002, pp.21-75). تعریف کلاسیک دیگر، سرمایه اجتماعی را سرجمع منابع اجتماعی بالفعل و بالقوه

مناسبات اجتماعی می‌داند که افراد و واحدهای اجتماعی از آن برخوردارند (Nahapiet & Ghoshal, 1998, p.243). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در معنای سرمایه اجتماعی، با پیوستاری گسترده مواجهیم.

سرمایه اجتماعی را به گونه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند: یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌باشد که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و سبب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد (فوکویاما، ۱۹۹۹). براساس این تعریف، مفاهیمی مانند جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه اجتماعی می‌گردند.

منظور از سرمایه اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی است که مردم را قادر می‌سازد تا دست به کنش جمعی بزنند (پورتس، ۱۹۹۸). این تعریف چندین مقصود را برمی‌آورد. اول اینکه نه بر پیامدها، بلکه بر منابع سرمایه اجتماعی متمرکز است، در حالی که می‌پذیرد که ویژگی‌های مهم سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد و هنجار متقابل در طی یک فرآیند مکرر پدید

آمده‌اند. دوم، این تعریف ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی را در خود جای می‌دهد و می‌پذیرد که اجتماعات کمابیش بدان‌ها دسترسی داشته باشند. سوم، در حالی که تعریف اجتماع (و نه افراد، خانوارها یا دولت) را به عنوان واحد درجه اول تحلیل معرفی می‌کند. در ضمن می‌پذیرد که افراد و خانوارها، قادرند سرمایه اجتماعی را از آن خود کنند و به علاوه نحوه سازماندهی خود اجتماع تا حدود زیادی به مناسبات آنها با دولت برمی‌گردد. تأثیری که دولت‌های ضعیف، دشمن صفت یا بی تفاوت بر زندگی اجتماع و طرح‌های توسعه‌ای باقی می‌گذارند، قراردادهای را محترم می‌شمارند و در برابر فساد مقاومت می‌ورزند، عمیقاً متفاوت است (آیشام و کافمن، ۱۹۹۱).

این طرز معنا کردن نقش روابط اجتماعی در توسعه، نقطه عطفی در رویکرد نظری نسبت به توسعه است و لذا تبعیت مهمی را برای تحقیقات و سیاست‌های معاصر در زمینه توسعه در بر دارد.

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده که این پدیده

تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. تا دهه ۱۹۹۰ عمده نظریه‌های توسعه، دیدگاه‌های نسبتاً کوتاه‌بینانه و حتی متناقض درباره نقش روابط اجتماعی در توسعه اقتصادی داشتند و توصیه‌های سیاسی سازنده‌ای که عرضه می‌کردند، چندان قابل استفاده نبود. برای مثال، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ روابط اجتماعی و راه و رسم‌های سنتی زندگی همچون موانعی بر سر راه توسعه تلقی می‌شد (مور، ۱۹۹۷، ص ۲۸۹). چنانکه در یکی از اسناد معتبر وقت، متعلق به سازمان ملل در سال ۱۹۵۱ گفته شده است، برای آنکه کار توسعه پیش برود: «فلسفه‌های قدیمی باید ابطال شوند، نهادهای کهنه اجتماعی از هم بپاشند و عقیده و نژاد باید از هم گسسته شوند، ولی شمار اشخاصی که قادر نیستند قدم به قدم با ترقی حرکت کنند، محکوم‌اند که از برخورداری از یک زندگی آسوده چشم‌پوشند و تن به قبول نومی‌دهی بدهند» (اسکوبار، ۱۹۹۵، ص ۳).

۲- چارچوب نظری تحقیق

مطالعات موجود نشان می‌دهد که مفهوم سرمایه اجتماعی آشکارا از دو سنت نظری متمایز سرچشمه گرفته است: یکی «هنجارهای اجتماعی و انسجام جامعه»

(دورکیم^۱، ۱۹۵۱) و دیگری «نهادهای واسط و اعتماد اجتماعی» (دوتوکویل^۲، ۱۹۲۵)؛ در واقع اگرچه این دو خط فکری منجر به دو تفکر متفاوت در نظریه‌پردازی علمی در علوم اجتماعی شدند، اما در عین حال به سرمایه اجتماعی و به راهبردهای آزمون و کاربرد سیاست اجتماعی، رهنمون شدند.

دورکیم معتقد بود که زندگی اجتماعی، قابل تقلیل به آحاد جامعه نیست. آحاد جامعه در یک ساختار اجتماعی متشکل از انتظارات و التزامات عمومی (یک ساختار هنجارین) که زندگی اجتماعی را انتظام می‌بخشد، هویت یافته‌اند. بنابراین یک جامعه، بیش از جمع افراد تشکیل‌دهنده آن، متجلی می‌گردد.

کلمن (۱۹۸۸ و ۱۹۹۰) - که معرفی‌کننده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی است، بیشتر به دورکیم گرایش داشت. از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی آحاد جامعه را در ساختاری از تعهدات اجتماعی (که به واسطه وفاق اجتماعی آفریده شده است) تجسد می‌بخشد. افراد می‌توانند به این ساختار به جهت کمک یا پشتیبانی نزدیک شوند، اما در عین حال ملزم به پاسخگویی به دیگران نیز می‌باشند.

1. Durkheim
2. De Tocqueville

نظریه کلمن، نقش یکسانی را برای خانواده، مدرسه و اجتماعات بزرگ منظور می‌دارد؛ هرچند در آثار او تمرکز بیشتری نسبت به ریزساختارها^۳ در مقایسه با درشت ساختارها، مشاهده می‌کنیم. تعهدات اجتماعی و اعمال متقابل در بحث‌های سرمایه اجتماعی او که بیشتر ناظر به خانواده و مدرسه بود، منجر به توفیقات دیدگاه‌های او در محافل دانشگاهی شد. همچنین آثار او منجر به دامنه‌دار شدن پژوهش پیرامون شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات و جریان اطلاع‌رسانی شد (Burt, 1997).

از سوی دیگر، بوردیو^۴ (۱۹۸۶) بسط‌هایی را در نظریه بازتولید اجتماعی دورکیم پیشنهاد کرد. از دیدگاه بوردیو، خانواده منابع مادی و نمادین سرشار و در عین حال متفاوتی را به منصفه ظهور می‌رساند و می‌تواند برای اعضای خانواده مزایای متعددی به دنبال داشته باشد. با این حال، دانشمندان و جامعه‌شناسان سیاسی که مفهوم سرمایه اجتماعی را به کار می‌برند، بیشتر تحت تأثیر دوتوکویل هستند که آثارش به اکتشاف پیوندهای بین فرد و دولت و پاسخ به این سؤال پرداخته که نظام‌های سیاسی چگونه مشروعیت توده‌ای

به دست می‌آورند و مشارکت سیاسی می‌آفرینند. پوتنام (۲۰۰۰ و ۱۹۹۵)، طرفدار این سنت بود. علاقه پوتنام، بیشتر متمرکز بر آن‌گونه نظام اجتماعی و محلی بود که بتواند اعتماد اجتماعی (مشروعیت) و تعامل مدنی بالا تولید نماید. از این منظر، اگرچه سرمایه اجتماعی به عنوان یک ثروت اجتماعی در نظر گرفته شده، با این حال در ژرفا در سطوح فردی، اندازه‌گیری می‌شود.

پوتنام در مطالعات خود که از این منظر انجام شد، دریافت که نواحی مختلف ایتالیا (به رغم برخورداری از یک دولت، یک زبان و یک نظام حقوقی و اجتماعی)، از جهت توسعه‌یافتگی با هم تفاوت دارند. پرسش از چرایی این رویداد، انگیزه اصلی پوتنام گردید. پوتنام حاصل پژوهش‌های جامع کیفی - کمی خود را که از سال ۱۹۷۰ آغاز کرده بود، منتشر ساخت و در آن نشان داد که تأثیر دولت‌های محلی، وابستگی زیادی به سطح سرمایه اجتماعی هر منطقه دارد. در شمال ایتالیا که شهروندان به نحو فعالی در سازمان‌های مدنی - مردمی، لیگ‌های فوتبال، انجمن‌های اختیاری و ... مشارکت دارند، دولت‌های محلی، در اقدامات داخلی، خلاقیت و ابتکارات، بسیار کارآمدتر هستند؛ در حالی که برعکس، در قسمت جنوبی

3. Microstructuers
4. Bourdieu

ایتالیا که الگوهای مداخلات مدنی بسیار ضعیف‌تر می‌باشند، دولت‌های محلی کمتر کارآمد بوده و حتی با فساد مواجه هستند. یافته‌های پوتنام روشن می‌سازد که سرمایه اجتماعی، شهروندان را در راستای منافع متقابل به مشارکت با یکدیگر قادر می‌سازد، ضمن اینکه بر معماهای^۵ مستتر در عمل جمعی، غلبه می‌نماید. شهروندانی که در مناطقی زندگی می‌کنند که از سطح بالای سرمایه اجتماعی برخوردارند، بسیار متمایل به اعتماد ورزیدن به یکدیگر می‌باشند و به ارزش‌های «وحدت» و «عدالت» گرایش بیشتری دارند (روحانی، ۱۳۸۸، صص ۸۰ - ۸۹).

به اعتقاد نگارنده امکان ترکیب دو سنت عمده فوق در نظریه‌های سرمایه اجتماعی وجود دارد. لذا ضمن تعقیب دیدگاه ترکیبی، به سنت دورکیم، کلمن و بوردیو توجه بیشتری کرده و به این ترتیب، سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌نماید: «آن ذخیره اعتماد اجتماعی که در جریان هنجارهای مشارکتی پدید آمده و متضمن آن معنایی از عضویت مشترک است که طی آن افراد می‌توانند از تلاش‌های خود در راستای

اهداف فردی و جمعی، نتایج مفیدتری را به دست آورند.»

۳- بررسی وضعیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در جامعه ایران

بررسی تحول و سنجش میزان سرمایه اجتماعی به دلیل کیفی بودن و انتزاعی بودن مفهوم سرمایه اجتماعی و شاخص‌های مربوط به آن، با مشکلات جدی مواجه است. واضح است که یافتن عدد مشخص و قابل قبولی برای بیان سرمایه اجتماعی موجود در جامعه‌ای بزرگ و پیچیده همچون ایران اگر غیرممکن نباشد، کاری بس دشوار و سخت است؛ به‌خصوص اگر اطلاعات طی دوره‌های متوالی موجود نباشد و یا منابع موجود قابل اعتماد نباشند، مشکل دو چندان خواهد شد. در بسیاری از کشورهای اروپای غربی و امریکای شمالی بخش زیادی از اطلاعات مورد نیاز از طریق پیمایش‌های موسوم به «پیمایش اجتماعی عمومی» و نیز سرشماری‌ها که به‌طور منظم و با فاصله‌های کم انجام می‌شوند، گردآوری می‌شوند. متأسفانه در ایران اطلاعات به‌صورت منظم و متوالی تولید نمی‌شود؛ فقط طرح پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان است که در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ انجام شده که البته

مرحله‌ای نو از توجه یافتن به ابعاد غیراقتصادی توسعه (پس از توجه به وجوه انسانی، فرهنگی، اخلاقی و معنوی)؛

۲. گسترش دامنه شمولیت سرمایه و افزوده‌شدن سرمایه اجتماعی به زمره سرمایه‌هایی که تاکنون محدود به سرمایه‌های فیزیکی، مالی و انسانی بود.

۳. فرو ریختن حصار یکسان دیدن همه جوامع بشری و پیچیدن نسخه‌های واحد برای اندام بیمار جامعه‌های گوناگون توسعه‌نیافته؛

۴. سوق یافتن نگاه‌ها از فردمحوری در توسعه به روابط اجتماعی؛

۵. دگرگون شدن رابطه اقتصاد با دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی؛

۶. تغییر نگرش از عوامل زود زوال‌پذیر توسعه به عوامل دیرزوال‌تر؛

۷. حرکت تدریجی از اندازه‌گیری‌های کمی اجتماعی به اندازه‌گیری‌های کیفی؛

۸. تغییر مدل‌های خطی توسعه به مدل‌های غیرخطی و ترکیبی.

سرمایه اجتماعی را به گونه‌های مختلف

تعریف کرده‌اند: مشارکت برای افزایش رفاه

اتکاء به داده‌های آن نمی‌تواند تصویر کاملی از تحولات درازمدت جامعه ایران به دست دهد. لذا برای تبیین جایگاه و وضعیت سرمایه اجتماعی مراجعه به اسناد بالادستی همچون سند چشم‌انداز بیست‌ساله شده است.

۳-۱. جایگاه و وضعیت مطلوب سرمایه اجتماعی در سند چشم‌انداز

یکی از مؤلفه‌های مذکور در سند چشم‌انداز که ظاهراً برای نخستین بار در سیاست‌های کلان کشور به کار رفته، مؤلفه سرمایه اجتماعی است. در سند چشم‌انداز، در بند دوم ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق بیست‌ساله، ایران کشوری معرفی شده که متکی بر (سه‌م برتر منابع انسانی و) سرمایه اجتماعی در تولید ملی است. سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوپدید در حوزه مطالعات اقتصادی و اجتماعی در سطح جهان و در داخل کشور است. توجه نظریه‌پردازان توسعه به سرمایه اجتماعی از نشانه‌های تحول در نظریه‌های توسعه است که شاید بتوان به وجوهی از آن به شرح زیر اشاره کرد (<http://www.isu.ac.ir>).

۱. خروج از دایره یک‌سویه‌نگری‌های اقتصادی و مادی توسعه و ورود به

اجتماعی؛ توانایی به دست آوردن منابع و دارایی‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی؛ مجموعه شرایط و قواعد اخلاقی - اجتماعی و رفتاری که به طور ضمنی رفتار افراد را شکل می‌دهد؛ شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی؛ شبکه اجتماعی و ارزشمندی آن و سودبری از آن؛ ماده خام جامعه مدنی که از تعامل روزمره افراد به دست می‌آید؛ درک، هنجارها و ارزش‌های مشترک برخاسته از شبکه اجتماعی؛ نهادها، روابط و هنجارهایی که کیفیت و کمیت کنش و واکنش‌های اجتماعی در جامعه را شکل می‌دهد. به دلیل همین تنوع در تعریف سرمایه اجتماعی که عملاً موجب ابهام در تعریف آن شده است، برخی پژوهشگران حوزه سرمایه اجتماعی از ناممکن بودن اندازه‌گیری آن سخن گفته‌اند. آنها همچنین دو عامل دیگر را هم در این امر مؤثر می‌دانند: سطوح مختلف سرمایه اجتماعی و ابهام در واحد تجزیه و تحلیل (آنالیز). برخی دیگر از اندیشه‌ورزان به دشواری‌های اندازه‌گیری کمی و کیفی سرمایه اجتماعی اشاره کرده‌اند. با این همه و متناسب با تعریف و ابعاد سرمایه اجتماعی، عوامل مؤثر در افزایش و یا کاهش آن و یا محورها و معیارها و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری آن معرفی شده است که طیفی نسبتاً گسترده را از مسائل کلان و خرد در بردارد (<http://www.hawzah.net>).

اعتماد و میزان آن بین شهروندان و حکومت و نهادهای برآمده از آن؛ احساس امنیت؛ تعاملات اجتماعی، شامل روابط همسایگی، روابط خویشاوندی، روابط دوستی، روابط کاری؛ نهادهای عمومی و مدنی؛ عضویت در مجامع و باشگاه‌ها و انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی؛ تمایل به فعالیت در متن اجتماع و همکاری‌های اجتماعی؛ دسترسی به اطلاعات و میزان اطلاع رسانی در سطح جامعه؛ تحمل‌پذیری نسبت به تنوع و تکرار؛ ارزشمند دانستن زندگی؛ آگاهی عمومی؛ پایبندی حکومت به قانون و مقررات؛ احترام به یکدیگر؛ احساس وفاداری به کشور؛ تفکر عقلانی؛ نظم‌پذیری؛ کارآمدی حکومت؛ فساد در سطح حاکمیت و جامعه؛ شرکت در انتخابات و روزنامه خواندن.

نگاه برخی صاحب‌نظران به سرمایه اجتماعی نگاهی ابزارانگارانه است، یعنی مردم با برآورد میزان سودبری از روابط اجتماعی به تنظیم روابط و در نتیجه تولید سرمایه اجتماعی می‌پردازند و برخی دیگر نگاهی نوع‌دوستانه و غایت‌انگارانه دارند و به اعتقاد آنها مردم بی‌اینکه به میزان سود دهی و سودبری بیندیشند، به تنظیم روابط اجتماعی

(فرایند تبدیل من به ما در بستر سرمایه اجتماعی) (<http://www.isu.ac.ir>).

اکثر قریب به اتفاق کسانی که در چند سال اخیر در باره سرمایه اجتماعی در محیط ایران به ویژه در شرایط پس از پیروزی انقلاب اسلامی سخن گفته‌اند، نسبت به پایین آمدن این سرمایه و آسیب‌ها و آفات آن هشدار داده‌اند، ولی وقتی مثال‌ها و مصادیق تعیین‌شده از سوی این افراد مورد توجه قرار گیرد، تکرار یک اشتباه بزرگ از سوی آنها موجب شگفتی است. این اشتباه

که سابقه‌ای دراز در کشور ما دارد، ارزیابی جامعه شرقی و جامعه اسلامی و جامعه ایرانی با معیارهای متناسب با یک جامعه غربی است. غفلت از تفاوت جوامع بشری و یکسان‌نگری در آنها و تلاش برای تعمیم مفاهیم و معیارهای ساخته و پرداخته‌شده در غرب بر همه آنها همواره مشکلاتی را در پی داشته است و به نظر می‌رسد اکنون نیز در تطبیق و تعمیم مفاهیم و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با جامعه ایرانی همان اشتباه بار دیگر در حال وقوع است. سرمایه اجتماعی اگر وجهی نویافته و انکارناپذیر از یک جامعه باشد - که به راستی چنین است - الزاماً در همه جوامع شکل و صورت واحدی ندارد. به بیان دیگر سرمایه اجتماعی حتی اگر

می‌پردازند و سرمایه اجتماعی در چنین فضایی تولید می‌شود، گرچه مردم از چنین روابطی سود هم می‌برند، ولی انگیزه اولیه و اصلی آنها در تنظیم روابط نوع‌دوستی بوده است، نه سودبری. توجه پاره‌ای از صاحب‌نظران بیشتر به دستاوردهای اقتصادی سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه اقتصادی معطوف شده است، در حالی که پاره‌ای دیگر از صاحب‌نظران به پیامدهای دیگر آن هم اشاره کرده‌اند:

۱. کنترل و نظارت اجتماعی؛
۲. حمایت خانوادگی و منافی که از طریق کانون خانواده به دست می‌آیند؛
۳. منافی که از طریق شبکه‌های اجتماعی فراتر از خانواده‌ها به دست می‌آیند؛
۴. جریان اطلاعات و تأثیرپذیری‌های آن از سرمایه اجتماعی؛
۵. هنجارهای مربوط به همکاری‌های اخلاق محور در جامعه و تأثیرپذیری‌های آن از سرمایه اجتماعی؛
۶. کنش‌های جمعی و تأثیرپذیری‌های آن از سرمایه اجتماعی؛
۷. هویت منسجم اجتماعی و تأثیرپذیری‌های آن از سرمایه اجتماعی

مفهومی واحد باشد، قطعاً مصداق واحدی در همه جوامع ندارد و اقتضای سرمایه بودن آن این است که در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن جامعه شکل بگیرد. هویت ملی، پیشینه تاریخی، باورها، دین، دردها و شادی‌های مشترک و سود و زیان‌های عمومی یک جامعه در چند و چون تولید سرمایه اجتماعی آن نقش دارد و لذا نمی‌توان میزان سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف را با شاخص‌هایی یکسان سنجید. یکسان‌نگری در این‌گونه مفاهیم و معیارها تنها در صورتی معنادار و قابل تصور است که خاستگاهی فرابشری و آسمانی داشته باشد و از منظری فراتر از قوم و سرزمین و نژادی خاص بدان نگریسته شود.

به همین دلیل و نیز به دلیل هویت دینی مردم ایران، تحلیل، ارزیابی و سنجش سرمایه اجتماعی در این دیار باید با رویکردی دینی صورت پذیرد. شاید چنین تحلیلی ما را به نتیجه‌ای یکسان در باره وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور برساند، اما مهم این است که به مبنایی استوار و فرایندی بومی و واقعی و روشی معتبر و کارآمد برای همه ادوار دست یافته باشیم. تردیدی نیست که با وجود همه خدمات و افتخارات برآمده از انقلاب اسلامی، به دلیل سرخوردگی‌های

ناشی از دوررس جلوه کردن عدالت اجتماعی فراگیر در سال‌های اخیر، بخش‌هایی از سرمایه اجتماعی - به هر مفهوم که باشد - در کشور ما دچار آفت و آسیب شده است، اما چه بسا بخش‌هایی دیگر از سرمایه‌های دست‌ناخورده و غنی اجتماعی نیز در این کشور وجود داشته باشد که با معیارهای متعارف نه قابل شناخت است و نه قابل سنجش و تنها در رویکردی بومی و دین‌محور بتوان آنها را شناخت و از آن بهره برد. به یقین آنگاه که در پی ساماندهی سرمایه اجتماعی برای رسیدن به افق چشم‌انداز بیست‌ساله کشور برآییم، بازنگری در مفهوم و ابعاد سرمایه اجتماعی و روش سنجش آن متناسب با آموزه‌های دینی و واقعیات جامعه ایرانی اهمیت مضاعف خواهد یافت.

نگاه دین‌محور به سرمایه اجتماعی نیازمند ژرف‌کاوی‌ها و تحقیقات همه پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و مطالعات دینی است و طبیعی است که بسان بسیاری از مفاهیم جدید آن هنگام که با نگاهی دینی نگریسته شود، با چالش‌های معرفتی و روش‌شناختی و تطبیق‌پذیری متعددی روبه‌روست.

شاید تفاوت عمده نگاه دینی به سرمایه اجتماعی با نگاه رایج، در چپستی و کارکردها

و به تبع آن شاخص‌های سرمایه اجتماعی باشد و در قالب تأملات زیر بتوان آنها را - در حد یک دیدگاه - بیان کرد (http://www.hawzah.net).

۱. سرمایه اجتماعی در نگاه متعارف، بیشتر در فضای قانون قابل درک است، زیرا سخت در پیوند با مقوله‌ها و مؤلفه‌هایی مانند آگاهی، مشارکت، وجود نهادهای مدنی و ... قرار دارد و این مؤلفه‌ها نیز با قانون درهم

تنیده‌اند، ولی فضای سرمایه اجتماعی در یک جامعه دینی یک فضای اخلاقی است و بستر شکل‌گیری آن سنجیه و خوی نهادینه شده‌ای در انسان‌هاست که روابط اجتماعی او را با دیگران و با جامعه بر مدار دین تنظیم می‌کند.

۲. در نگاه نظریه‌پردازان معاصر که از سوی صاحب‌نظران داخل کشور نیز پذیرفته شده، سرمایه اجتماعی امری است که متعلق به فرد یا جامعه نیست، بلکه در فضای جامعه است و هر کسی می‌تواند از آن استفاده کند،

لذا سرمایه اجتماعی امری بیرونی است و ریشه‌های درون فردی آن مورد نظر قرار نگرفته است و حال آنکه ظاهراً در نگاه دینی سرمایه اجتماعی به دلیل هم‌پیوندی با اخلاق، امری درونی در انسان‌هاست که در رفتارهای اجتماعی امتداد می‌یابد.

۳. اصلی‌ترین کارکرد سرمایه اجتماعی در نگاه متعارف، سهم و نقش آن در توسعه اقتصادی است و حال آنکه در یک نگاه دینی کارآمدی سرمایه اجتماعی تنها برای توسعه اقتصادی و یا بالابردن تولید ملی نیست و از این سرمایه می‌توان برای دستیابی به همه وجوه توسعه بهره‌گرفت و پهنه بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در یک جامعه دینی پهنه‌ای فراخ‌تر است.

۴. آسیب‌پذیری و زوال‌پذیری سرمایه اجتماعی در نگاه متعارف صاحب‌نظران به دلیل تأثیرپذیری آن از عوامل متعدد بیرونی زیاد است، ولی در نگاهی دینی سرمایه اجتماعی به دلیل درونی بودن ایمن‌تر و در نتیجه دیرپاتر و ماندگارتر است.

۵. محدوده بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در نگاه متعارف یک محدوده محلی، شهری و حداکثر کشوری است، ولی در نگاهی دینی، سرمایه اجتماعی می‌تواند سرمایه‌ای برای همه جهان بشریت باشد.

۶. سازوکار و روش‌های افزایش و تشدید سرمایه اجتماعی در نگاه متعارف صاحب‌نظران علوم اجتماعی هنوز نیازمند بررسی و تحقیق است، اما در نگاهی دینی، روش‌هایی مشخص و گوناگون برای این منظور وجود دارد. آموزه‌هایی همچون امر به

معروف و نهی از منکر، حج، عبادات جمعی به ویژه نماز جماعت، مواسات، صداقت، مودت، حسن ظن به برادر دینی، اصل بر برائت بودن در روابط اجتماعی، رعایت حق‌الناس، نصیحت ائمه مسلمین، احترام به والدین، حرمت غیبت و تهمت و مانند آن نقش مؤثری در افزایش سرمایه اجتماعی دارند.

بر این اساس، چنین به نظر می‌رسد اصلی‌ترین، پایدارترین، کارسازترین و کارآمدترین عامل تولید سرمایه اجتماعی دین است که به دلیل جوهره جهان‌شمول خود می‌تواند فراتر از مرزهای یک کشور و یک ملت، موجد و موجب سرمایه اجتماعی مشترک همه بشریت باشد. وجه اصلی و جوهره سرمایه اجتماعی را اخلاق تشکیل می‌دهد و دین توانمندترین عامل مولد اخلاق است. آیاتی از قرآن حاوی نکاتی روشن و قابل توجه در این زمینه است، به عنوان نمونه آیه ۶۳ سوره مبارکه انفال با ما چنین سخن می‌گوید: «و الف بین قلوبهم لو انفقنا ما فی الارض جميعاً ما الفت بین قلوبهم و لكن الله الف بینهم انه عزیز حکیم». و خداوند قلب‌های آنان را پیوند داد، اگر همه آنچه را که در زمین است، انفاق می‌کردی، بین دل‌های آنها پیوند ایجاد نمی‌کردی، اما

خداوند بین آنها را پیوند داد، همانا او عزیز و حکیم است.

همان‌گونه که دانشمندان علوم اجتماعی با شناخت ویژگی‌های سرمایه اجتماعی، حضور و خدمات اجتماعی خود را به گونه‌ای شکل می‌دهند که به تقویت سرمایه اجتماعی بینجامد، دین‌شناسان نیز با شناخت ویژگی‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی می‌توانند از آموزه‌های دینی برای بازتعریف و بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی متناسب با یک جامعه دینی بهره بگیرند.

با توجه به ظرفیت ایدئولوژیک بزرگی که در پرتو احیای دینی و به ویژه انقلاب اسلامی فراهم آمده، اکنون صاحب‌نظران دین‌مدار جهان اسلام می‌توانند مسائلی نوپدید مانند سرمایه اجتماعی را از موضع دین‌بنگرنده و توانمندی خود را برای ارائه نگاه‌هایی نو که نسبت به نگاه‌های رایج استوارتر و همه‌جانبه‌تر است، به اثبات رسانند. به ویژه در مواردی که هنوز صاحب‌نظران در سطح جهان به وفاق نرسیده‌اند، اندیشمندان مسلمان می‌توانند در شکل دادن به مفاهیم جدید نقش‌آفرین باشند. در کشور ما که برخوردار از قانون اساسی و حاکمیت و مردمی دین‌مدار است، این‌گونه مطالعات و پژوهش‌ها اهمیت و

- برنامه‌ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی.

۲. تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کارآفرینی، درستکاری و قناعت، و اهتمام به ارتقاء کیفیت تولید. از طریق فرهنگ‌سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات.

۳. زنده و نمایان نگاه‌داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.

۴. تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی.

۵. سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر.

۶. تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن.

ضرورت بیشتر دارد و امید است حرکت علمی امیدبخشی که در این زمینه در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها آغاز شده است، در ابعادی گسترده‌تر ادامه یابد.

۴- اهداف نظام در سند چشم‌انداز در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی

با مرور اجمالی بر سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه می‌توان اهداف نظام در سند چشم‌انداز را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بررسی نمود و آن دسته از سیاست‌هایی را که در جهت بهبود سرمایه اجتماعی در افق چشم‌انداز می‌باشد، متذکر شد.

۴-۱. سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه

الف) سیاست‌های کلی برنامه چهارم در بعد فرهنگی

۱. اعتلاء، عمق و گسترش دادن معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت از طریق:

- استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل؛

- تقویت فضایل اخلاق و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده؛

ب) سیاست‌های کلی برنامه چهارم در بعد سیاسی

در بعد سیاسی، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه که در ارتباط با ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌باشد، عبارت‌اند از:

۱. گسترش و عمق‌بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مندساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردم؛
۲. گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای؛
۳. تقویت امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر رشد و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی؛
۴. تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت از طریق اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی؛
۵. توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین؛
۶. توسعه نظم و امنیت عمومی و پیشگیری و مقابله مؤثر با جرائم و مفاسد اجتماعی و امنیتی از طریق تقویت و هماهنگی دستگاه‌های قضایی، امنیتی و نظامی و توجه جدی در تخصیص منابع به وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت؛

۷. تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان.

ج) سیاست‌های کلی برنامه چهارم در بعد اقتصادی

در بعد اقتصادی، سیاست‌هایی که در جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی در سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، عبارت‌اند از:

۱. توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست‌محیطی آب، نگهداری و مصرف آن؛
۲. مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد، محروم و مستضعف و کاهش فاصله دهک‌های بالا و پایین درآمدی جامعه و اجرای سیاست‌های مناسب جبرانی؛
۳. ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع‌بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل به ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین، با تأکید بر اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات؛
۴. هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی که دارای مزیت نسبی هستند، از جمله صنعت، معدن، تجارت، گردشگری با اولویت سرمایه‌گذاری در ایجاد زیر بناها و زیرساخت‌های مورد نیاز؛
۵. تثبیت فضای اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران با اتکا بر مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های

نگاره شماره (۱) - سیاست‌های کلی برنامه
چهارم توسعه در راستای ارتقاء سرمایه
اجتماعی

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی	
۱- اعتلاء و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت	توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی
۲- تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و توجه به کیفیت تولید زنده نگاه داشتن اندیشه‌های دینی و سیاسی امام خمینی (ره)	
۳- تقویت وحدت و هویت ملی بر اساس فرهنگ ایرانی و اسلام	
۴- سالم‌سازی فضای فرهنگی از طریق امر به معروف و نهی از منکر	
۵- ترویج و گسترش مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آن	
۱- گسترش و تعمیق روحیه تعاون و مشارکت عمومی	توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی
۲- گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای	
۳- تقویت امنیت و اقتدار ملی	
۴- تقویت و کارآمدی نظام بازرسی و نظارت	
۵- توجه به نقش نیروهای مردمی در استقرار امنیت	
۶- توسعه نظم و امنیت عمومی از طریق هماهنگی دستگاه‌های مربوط	
۷- تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان	
۱- توجه به ارزش آب مصرفی و نگهداری از آن	توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی
۲- مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد	
۳- ارتقاء سطح زندگی و درآمد روستائیان	
۴- هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی با توجه به مزیت‌های نسبی	
۵- تثبیت فضای اطمینان بخش برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی	
۶- اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای و بازار سرمایه	
۷- ارتقاء توانمندی‌های بخش‌های تعاونی	
۸- توجه به مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی	
۱- تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر برای مردم	توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی
۲- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن	
۳- تقویت هویت جوانان	

جدید و حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن؛

۶. ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور با تأکید بر کارایی، شفافیت از طریق ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران با حفظ مسئولیت‌پذیری آنان و تشویق رقابت و پیشگیری از وقوع بحران و مقابله با جرم‌های مالی؛

۷. ارتقاء ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری، ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی؛

۸. توجه و عنایت جدی بر مشارکت عامه مردم در فعالیت‌های اقتصادی کشور.

(د) سیاست‌های کلی برنامه چهارم در بعد اجتماعی

در بعد اجتماعی نیز سیاست‌های حاکم بر برنامه چهارم توسعه در راستای بهبود سرمایه اجتماعی به قرار زیر است:

۱. تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزشی، سلامت و مبارزه با فساد و غیره؛

۲. تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در خانواده و در صحنه‌های اجتماعی؛

۳. تقویت هویت ملی جوانان (سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه)؛

۵- ارتباط بین اجزای سرمایه اجتماعی (مؤلفه‌ها) و سیاست‌های کلی در افق چشم‌انداز

با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفته، لازم است تا مؤلفه‌ها و اجزاء مربوط به هر یک از ابعاد نیز شناسایی شود تا بتوان ارتباط بین مؤلفه‌ها و سیاست‌های کلی در افق چشم‌انداز را نیز بررسی نمود.

از سوی دیگر برای برنامه‌ریزی جهت تحقق اهداف چشم‌انداز، ضرورت پرداختن به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آشکار می‌گردد. چهار بعد مطرح در سرمایه اجتماعی بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد که دارای مؤلفه‌های خاص خود است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

در بعد اجتماعی: اعتماد، روابط متقابل، مشارکت، آگاهی عمومی، اخلاقیات و مسئولیت اجتماعی؛

در بعد فرهنگی: مقررات رفتاری، نرم‌ها و هنجارها، ارزش‌ها، دین و ایدئولوژی، نمادها، مثل‌ها و استعاره‌ها، جو و فضا؛

در بعد سیاسی، امنیت: نهادهای عمومی و مدنی، مشارکت سیاسی، انتخابات، قانون‌مداری، روزنامه‌ها و رسانه‌ها. در بعد اقتصادی: ارزش روز شرکت، میزان صرفه‌جویی در هزینه‌ها (کاووسی، ۱۳۸۵، ص ۶۷).

توجه نظریه‌پردازان توسعه به سرمایه اجتماعی از نشانه‌های تحول در نظریه‌های توسعه است که شاید بتوان به وجوهی از آن به شرح زیر اشاره کرد: خروج از دایره یک‌سویه‌نگری‌های اقتصادی و مادی توسعه و ورود به مرحله‌ای نو از توجه یافتن به ابعاد غیر اقتصادی توسعه (پس از توجه به وجوه انسانی، فرهنگی، اخلاقی و معنوی)، گسترش دامنه شمولیت سرمایه و افزودن شدن سرمایه اجتماعی به زمره سرمایه‌هایی که تاکنون محدود به سرمایه‌های فیزیکی، مالی و انسانی، فرو ریختن حصار یکسان دیدن همه جوامع بشری و پیچیدن نسخه‌ای واحد برای اندام بیمار جامعه‌های گوناگون توسعه‌نیافته، سوق یافتن نگاه‌ها از فردمحوری در توسعه به روابط اجتماعی، دگرگون شدن رابطه اقتصاد با دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی، تغییر نگرش از عوامل زود زوال‌پذیر توسعه به عوامل دیرزوال‌تر، حرکت تدریجی از اندازه‌گیری‌های کمی اجتماعی به

اندازه‌گیری‌های کیفی و تغییر مدل‌های خطی توسعه به مدل‌های غیرخطی و ترکیبی.

اهداف کلی چشم‌انداز بیست ساله نظام در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی در هر یک از ابعاد چهارگانه عبارت‌انداز:

نگاره شماره (۲) - اهداف کلی چشم‌انداز بیست ساله نظام در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی

۱. توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و غیره؛

۲. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی؛

۳. امن و مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و غیره؛

۴. برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت، تأمین اجتماعی، نهاد مستحکم خانواده و غیره؛

۵. فعال، مسئولیت‌پذیر، برخوردار از وجدان کاری و روحیه تعاون و متعهد به انقلاب و نظام اسلامی؛

۶. دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه؛

۷. الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی و همگرایی اسلامی و غیره؛

۸. دارای تعامل سازنده و

اهداف کلی چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی	
تقویت و توسعه	۱- تقویت روحیه ایمان، ایثار و ... به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی
	۲- ایجاد جامعه سالم بر مبنای ارزش‌های اسلامی رشد و اعتدالی عناصر فرهنگی و هنری ایرانی و اسلامی
	۳- پیشبرد راهبرد گفت و گو میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها
	۴- تقویت نهاد خانواده و ارتقاء نقش زنان
	۵- نهادینه‌سازی و گسترش علم و تحقیق
تقویت و توسعه	۱- تضمین حقوق مدنی و انسانی
	۲- توسعه نیروی انسانی آگاه و ماهر
	۳- حاکمیت بخشیدن رویکرد علمی، تمرکززدایی و ...
	۴- توجه به جوانان و نیازها و ضرورت‌های آنان
	۵- تقویت مبنای جامعه مدنی - مشارکت و غیره
تقویت و توسعه	۱- تقویت امنیت و اقتدار ملی بهبود ساختار سیاسی، قضایی و غیره
	۲- توسعه نظم و امنیت عمومی
	۳- تعمیم عدالت از طریق توسعه قضایی
	۴- توسعه قانون‌گرایی، وجدان کاری و غیره
تقویت و توسعه	۱- ایجاد سازوکارهای انگیزش
	۲- تعامل فعال با جهانیان
	۳- ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی
	۴- توجه به مزیت‌های نسبی
	۵- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی
	۶- نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای
	۷- ارتقاء ظرفیت‌های بخش تعاونی
	۸- توسعه حضور بخش تعاون در تمام بخش‌های اقتصادی

مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت (برگرفته از سند چشم‌انداز).

فرجام

راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور

برخی از راهکارها به منظور ارتقای سرمایه اجتماعی در کشور عبارت‌اند از:

۱. عامل وحدت‌آفرین دین: با توجه به شرایط اجتماعی ایران که ارزش‌های دینی از جمله ارزش‌های نهادینه‌شده بخش قابل توجهی از ایرانیان است و همچنین عامل وحدت‌بخش بسیاری از افراد جامعه به دلیل ایجاد ارزش‌های مشترک به شمار می‌آید، می‌تواند در ایجاد فضای مشترک برای شبکه‌های ارتباطی مبتنی بر این ارزش‌ها مفید باشد.
۲. برنامه‌ریزی فرهنگی: برنامه‌ریزی فرهنگی جهت غنی‌سازی فرهنگ اجتماعی و سازمانی: سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر اقتصادی منتج از ویژگی‌های فرهنگی یک سیستم اجتماعی است. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی تبلور اقتصادی فرهنگ

اجتماعی یا سازمانی مبتنی بر اعتماد و مشارکت افراد است. تقویت مؤلفه‌های فرهنگی مانند احساس هویت گروهی و سازمانی مشترک، احساس تعلق به آینده‌ای مشترک، مشارکت و اعتمادهای بین فردی و گروهی مد نظر می‌باشد. مدیران نیز با ایجاد نظام‌های مشارکتی و توجه به سمبل‌های فرهنگی و ایفای مناسب نقش رهبری می‌توانند در جهت غنی‌سازی فرهنگ سازمانی گام بردارند.

۳. افزایش کارآمدی دولت: دولت باید با سازوکارهای دقیقی بتواند گسست بین خواست‌های بحق مردم و خدمات دولتی را کاهش دهد. هر چه دولت از انجام مسئولیت‌های خود در قبال مردم و تأمین نیازمندی‌های آنان ناتوان‌تر باشد، ائتلاف سرمایه اجتماعی بیشتر خواهد بود.

۴. کاهش فساد: نفوذ فساد در انواع مختلف اداری، اقتصادی، فرهنگی و در درون ساخت رسمی قدرت می‌تواند به زوال سرمایه اجتماعی منجر شود. بنابراین، مقابله قاطع و جدی با فساد در بدنه قدرت ضامن

به شکل قواعد و هنجارهای اجتماعی از قبیل تعاون نیز منتقل می‌سازند. این نکته نه فقط در مقاطع مختلف آموزش و پرورش بلکه در مورد آموزش عالی نیز مصداق دارد. پزشکان تنها پزشکی نمی‌آموزند، بلکه سوگند بقراط را نیز فرا می‌گیرند. از طرفی، یکی از بزرگ‌ترین راه‌های جلوگیری از فساد این است که کیفیت آموزش حرفه‌ای برای دیوانسالاران عالی‌رتبه و روحیه همکاری گروهی را در بین این نخبگان تقویت می‌کند (فوکویاما، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴). علاوه بر آن در سطح سازمان وجود دوره‌های آموزشی کارکنان در ایجاد وحدت و تعاون نیز می‌تواند بستر مناسبی برای تقویت سرمایه اجتماعی باشد.

۸. نهاد خانواده: خانواده نیز به‌عنوان اصلی‌ترین، بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین کانون جامعه‌پذیری فرد و انتقال ارزش‌ها و منبع تولید اعتماد در بین اعضا می‌تواند در تحکیم و ایجاد ساختارهای سرمایه اجتماعی نقش مؤثری داشته باشد.

صیانت از سرمایه اجتماعی و افزایش آن است.

۵. رفع تعارضات ساختاری: بروز تنش در درون ساخت رسمی قدرت و تقابل نیروهای اصلی تصمیم‌ساز، در هر سطح و اندازه‌ای که باشد به افت سرمایه اجتماعی منتهی می‌شود. بنابراین، ایجاد وحدت در درون ساخت رسمی قدرت و تقویت آن با توجه به تنوع فرهنگی و تنوع خرده فرهنگ‌ها در سطوح خرد و کلان می‌تواند راهگشای خوبی باشد.

۶. مشارکت‌جویی: دولت موظف است تا زمینه لازم برای مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف را برای ایجاد مشروعیت قدرت فراهم و از گسست میان مردم و حکومت ممانعت به عمل آورد. هر روندی که دولتمردان را از مردم دورسازد، روندی منفی جهت کاهش سرمایه اجتماعی است (افتخاری، ۱۳۸۴).

۷. نظام آموزشی: نظام آموزشی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع جامعه‌پذیری فرد است.^(۱) مؤسسات آموزشی سرمایه انسانی را صرفاً انتقال نمی‌دهند، بلکه سرمایه اجتماعی را

۹. گسترش نهادهای مدنی: نهادهای مدنی با آگاهی‌بخشی از خدمات و کارهای ویژه دولتی به مردم، نهادینه و منظم کردن خواسته‌ها، امیدبخشی، جلوگیری از تنش، رواج الگوهای رقابت سالم سیاسی، اصلاح‌گری و وحدت‌بخشی می‌توانند به صورت پل ارتباطی میان مردم و دولت هم در ایجاد احساس تعلق مردم به حکومت و هم خارج کردن روند اتمیزه شدن جامعه در ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی مفید باشند.

۱۰. توجه به آموزش‌های عمومی و آموزش کارکنان: برقراری نظام‌های آموزشی و همچنین گذر افراد از آموزش‌های عمومی در تمامی سطوح نقش اصلی را در ایجاد این نوع سرمایه داراست. مؤلفه‌های فرهنگی در سطح جامعه به شدت متأثر از عملکرد نظام‌های آموزشی و تربیتی هستند. بازی‌های آموزشی که امروزه در آموزش‌های مدیریتی نیز دارای کاربرد زیادی گردیده‌اند، می‌توانند در این رابطه به طور مؤثری مفید باشند.

۱۱. از مهم‌ترین اقداماتی که دولت‌ها می‌توانند جهت تقویت سرمایه اجتماعی انجام دهند عبارت‌اند از:

- تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛
- تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی؛
- تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛
- پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین احاد مختلف مردم (فوکویاما، ۱۹۹۹).

پانویس

۱. بوردیو بر مدرسه و سایر نهادهای آموزشی برای تقویت سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد. رک: اعتماد عمومی و مشارکت گروهی: بنیان‌های سرمایه اجتماعی؛ به نقل از www.atiye.ir/paper.asp

منابع فارسی

۱. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم، (۱۳۸۲)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۴)، نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن، گفت‌وگو با اندیشه صادق.

۳. الویری، محسن، (دی ۱۳۸۴)، سند چشم‌انداز توسعه و سرمایه اجتماعی، *تشریح اندیشه صادق*.
۴. بهرامی، فردین، (۱۳۸۱)، *ابعاد بیرونی سرمایه اجتماعی*، تهران، انتشارات نسیم البرز.
۵. تاجبخش، کیان، (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران، انتشارات شیرازه، چاپ اول
۶. روحانی، حسن، (۱۳۸۸)، «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۵۳.
۷. روحانی، حسن، (۱۳۹۰)، «سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۵۹.
۸. صالحی امیری، سیدرضا و اسماعیل کاووسی (تابستان ۱۳۸۶)، دولت و سرمایه اجتماعی در افق چشم‌انداز بیست‌ساله، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۴.
۹. صالحی امیری، رضا و اسماعیل کاووسی، (۱۳۸۷)، *سرمایه اجتماعی*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. علاقبند، مهدی، (مهر ۱۳۸۴)، درآمدی بر سرمایه اجتماعی، *ماهنامه فصل نو*.
۱۱. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*، کتاب *سرمایه اجتماعی*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه.
۱۲. Adler, P. S. & Kwon, S. W., (2002), Social Capital: Prospects for a New Concept. *Academy of Management Review*
۱۳. Arregle, J., Hitt, M. A., (2007), Sirmon, D. G. & Very, P., The Development of Organizational Social Capital: Attributes of
- Family Firms, *Journal of Management Studies*, 44(1).
14. Burt, R. S., (1997), The Contingent Value of Social Capital, *Administrative Science Quarterly*, 42.
15. Coleman, J. S., (1988), Social Capital in The Creation of Human Capital, *American Journal of Sociology*, 93.
16. Esman, Milton, and Norman Uphoff, (1984), *Local Organizations: Intermediaries in Rural Development Ithaca*, N.Y: Cornell University Press.
17. Franke, Sandra, (2005), *Measurement of Social Capital Reference Document for Public Policy Research*, Development and Evaluation, Policy Research Initiative.
18. Nahapiet, J. & Ghoshal, S., (1998), Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage, *Academy of Management Review*, 23.
19. Patman, R. G., (2006), *Globalization and Conflict* (National Security in a New Strategic Era), Routledge Talor & Francis Group.
20. Portes, A. and P. Landolt, (1996), "The Downside of Social Capital", *The American Prospect* 26.
21. Stone, Wendy, (2000), *Social Capital, Social Cohesion and Social Security*, The Year 2000 International Research Conference on Social Security. Helsinki.

منابع لاتین

22. <http://www.hawzah.net/FA/ArticleView.html?ArticleID=88946>
23. http://www.isu.ac.ir/publication/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq_11-12/Andesh-ye-Sadiq_11-1201.htm
24. http://www.isu.ac.ir/publication/Andesh-ye-Sadiq/Andesh-ye-Sadiq_11-12/Andesh-ye-Sadiq_11-1201.htm

www.isu.ac.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مرکز تحقیقات استراتژیک